

میدون و سوفیا

مصوبه جدید مجلس:

نیم‌کیلو قاووت برای هر ایرانی



✎ **پوریا عالمی**

: سلام سوفیا.

-سلام میدون دوم.

: متأسفانه من دیگه نمی‌تونم با تو ازدواج کنم.

-چرا آخه میدون دوم؟ تو که عاشقم بودی.
: بومد که بومدم، ولی هیچ مشوقی برای ازدواج با تو وجود نداره. مجلس طرحی داره که به دختران زیر ۱۸سال جایزه و مشوق بدهند که زود ازدواج کنند. من هم تصمیم گرفتم جای تو که مشوقی نداری، بروم یک جایزه‌دارش را پیدا کنم. آخ من قرون این مجلس بشم. آخ من قرون این لیست امید بشم.

-میدون دوم، این حرف توهین‌آمیز نیست؟
که برای ازدواج دختران زیر ۱۸ سال جایزه گذاشته‌اند؟

: واقعا توهینه. باید علاوه‌بر جایزه، برای آدم لقمه هم بگیرند و مجلس مصوب کند فردای ازدواج، دولت یک سینی صبحانه خفن بیاورد پشت در منزل شاداماد.

-خاک‌توسرت میدون دوم با این جهان‌بینی‌ات.
: اصلا کاش یک قانون مصوب کنند که علاوه‌بر یارانه، به هر جوان ایرانی ماهی نیم‌کیلو قاووت هم بدهند که جان بگیرند بچه‌های مردم.

-میدون دوم آیا می‌دانستی در این قانون برای ازدواج پسرهای زیر ۲۴ سال هم می‌خواهند مشوق بدهند؟
آیا استرس نداری من هم تو را که سن خر خان را داری، ول کنم و بروم یک ۲۴ ساله پیدا کنم؟

: توچ.

-چرا؟

: چون جامعه به تو چپ‌چپ نگاه خواهد کرد که با یک پسر خیلی جوان‌تر از خودت ازدواج کنی. جامعه طردت خواهد کرد سوفیا.

-و اگر تو با یک دختر خیلی جوان یا حتی زیر ۱۸ سال ازدواج کنی چی؟

: هیچی. آن‌موقع جامعه به من حسودی‌اش خواهد شد و به من به چشم یک قهرمان نگاه خواهد کرد. خارجی‌ها به این حالت می‌گویند ددی‌شوگر! که خیلی اسم بامسمایی است.

-عجب دیالوگ مزخرفی شد ستون امروز. خاک‌توسرت پوریا عالمی. من همیشه فکر می‌کردم تو آدم حسابی هستی و به حقوق برابر اعتقاد داری و با ازدواج در سن کم مشکل داری، اما الان می‌بینم که داری از میدون دوم حمایت می‌کنی و من زن را سرکوب می‌کنی و سرکوفت می‌زنی. خاک‌توسر صدزنت.

پوریا: نه عزیزم. نه سوفیا‌جان. من فقط شماها را می‌نویسم. درواقع حرف جامعه‌ها را از زبان سوفیا و میدون دوم و بابای سوفیا می‌نویسم. من بی‌تقصیرم...

-یعنی تو خودت نمی‌خواهی بروی از این مشوق‌ها و جایزه‌ها و کمک‌های مالی ازدواج با دختران زیر ۱۸ سال که مجلس دارد تصویب می‌کند. استفاده کنی؟

پوریا: نه عزیزم. واقعا فکرکردن به چنین چیزی جای بررسی داره.

-حالا بگو ببینم چرا وقتی این‌همه مشکل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی داریم، مجلس تنها چیزی که بلد است این است که بیاید برای ازدواج دختران زیر ۱۸ سال و پسران زیر ۲۴ سال جایزه تصویب کند؟

پوریا: همین‌دیگر. این‌طوری سر مردم با ازدواج گرم می‌شود و یاد بدبختی‌های اصلی‌شان نمی‌افتند.

سوفیا: پوریا‌جان، من می‌خواهم از میدون دوم جدا شوم. او آدم بی‌شعوری است.

میدون دوم: ولی من که نرفتم با دختر زیر ۱۸ سال ازدواج کنم سوفیا‌جان.
سوفیا: ولی بهش که فکر کردی.
پوریا: راست می‌گویی میدون دوم. تو بهش فکر کردی. و این ترسناک است.

نکته

۱۲۳۴رّمز نیست

● **ایبسنه:** متخصصان مرکز امنیت سایبری ملی بریتانیا (NCSC) بازاریابی را بررسی رمز عبورهای لورفته از اکانت و حساب‌های کاربری افراد، اعلام کرده‌اند که برخلاف هشدارهای امنیتی جدی که از سوی کارشناسان امنیتی در فضای مجازی به اشتراک گذاشته است، هنوز میلیون‌ها کاربر برای حساب‌های کاربری خود در اینترنت از گذرواژه‌های بسیار ساده و قابل حدس مانند ۱۲۳۴ استفاده می‌کنند که همین امر موجب شده است آمار هک و نفوذ هکرها و مجرمان سایبری به‌شدت بالا برود و همچنان بالا نیز باقی بماند. گزارش‌های منتشرشده در هکرنیوز حاکی از آن است که بالغ بر ۳۳ میلیون نفر از کاربران در فضای مجازی همچنان از رمز عبورهای ساده و آسان مانند اعداد ۱۲۳۴ استفاده می‌کنند که این کار را برای هکرها بسیار آسان و نفوذپذیر کرده است.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۱۸ شعبان ۱۴۴۰ • ۲۴ آوریل ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۱۰ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ • اذان مغرب ۲۰:۰۴ • اذان صبح فردا ۴:۴۹ • طلوع آفتاب ۶:۰۲

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

✎ **پانولو دالیوتته**

به بهانه افتتاح سی و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران



قصه‌های شهر

چند می‌گیری مثل انسان با من برخورد کنی؟



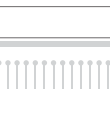
✎ **گیتی صفرزاده**

چند ماه پیش معلوم شد غده‌ای داخل سرم در کنار گوشم ظاهر شده. غده خوش‌خیمی بود اما توصیه شد به بیرون‌آوردنش با این توضیح که چون در جای حساسی قرار دارد، امکان آسیب و فلجیِ نیمی از صورت وجود دارد. همین توضیح کافی بود تا عملیات پیداکردن دکتری پنجه‌طلایی آغاز شود و بالاخره وقتی یافتم شد و به مطبش رفتم، ددین دست‌خط‌ها و لوح‌های تقدیری که به در و دیوار آویزان بود، قوت قلمم داد. البته معلوم است که دکترهای پنجه‌طلا سرشان شلوغ است و تا نیمه‌شب باید در مطشان انتظار کشید و زمان معاینه هم همراه چند مرضی دیگر به داخل اتاق رفت و لایه‌ای ابراز نگرانی یک مرضی و التماس مرضی دیگر تو هم سفره مرضت را جلوی همگان بکشایی، اما دکتر حاذق همان‌طور که به دستیارانش دستور می‌داد و با موبایلش ور می‌رفت و به دو مرضی دیگر می‌رسید و وسط‌ها سری هم به بالکن می‌زد، گفت که نگران نباشم و غده را بدون هیچ آسیبی به صورتم بیرون می‌آورد. این مژده فرخنده همه مصائب را از یادم برد و وقت عمل را گرفتم. روز جراحی قبل از عمل دلهره‌آور دکنترم را ندیدم، چند روز بعدش نیز همین‌طور اما بالاخره نگار جلوه نمود و با لبخند رضایت‌آمیزی دستور ترخیص داد و اینکه دو هفته بعد برای کشیدن بخیه‌ها به مطبش بروم. خدا را شکر هم صورتم مثل سابق سر جایش بود و تکان می‌خورد و هم غده محو و نابود شده بود پس اندوه دیدار کوتاه و شتابزده با دکتر را فراموش کردم و در دلم گفتم بگذار وقت گرانبهایش را برای نجات بیماران دیگری صرف کند. حالا وارد عملیات گرفتن وقت برای کشیدن بخیه شدم و روز موعود به مطب رفتم و معلوم شد که کار ساده کشیدن بخیه بر عهده دستیاران است. البته کار ساده‌ای نبود چون در تمام مدت انجام این عملیات صدای گریه و فغان من بلند شد اما لابد ماجرای عادی به حساب می‌آمد که توجه دکتر را در اتاق کناری جلب نکرد. بعد از دو هفته ترشحاتی از زخم و تورماتی در غدد لنفاوی‌ام احساس کردم. خودم را شتابان به مطب دکتر رساندم، دستیارش مرا دید، گفت حساس شده‌ام و با چند قرص آرامبخش راهی‌ام کرد. چند روز بعد دیگر نشانه‌های عفونت بیشتر از اثرات قرص‌های آرامبخش بودند، دوباره تماس گرفتم و این بار برای دیدن دکتر راهی بیمارستان شدم. دکتر گفت جراحی خوبی بوده، عفونت کوچکی در محل بخیه است و برایش آنتی‌بیوتیک تجویز کرد. چند روز بعد از خوردن

کیسو فغفوری: باورکردنی نبود که این فقدان رخ دهد، دیروز در همین صفحه یادداشتی از «بهمن کشاورز» منتشر شد و امروز برای او و درباره او می‌نویسیم. مردی که به جرات می‌توان او را یکی از محترم‌ترین و به‌روزترین وکلایی دانست که در این سال‌ها ارتباط نزدیکی با اهالی رسانه داشت. ظهر روز سه‌شنبه، سوم اردیبهشت، خبر درگذشت بهمین کشاورز منتشر شد.

خبر درگذشت او به دلیل ایست قلبی در بیمارستان مهراد باورنکردنی به نظر می‌رسید، اما گریه و بغض دوستان و خانواده‌اش به ما باوراند که دیگر نمی‌توانیم با نویسنده‌ای که حسن‌خاتم مطالبش عبارت «والله اعلم» بود ارتباط برقرار کنیم و جای خالی نوشته‌ها و دیدگاهش قطعا در روزنامه و تحلیل‌های قضائی به چشم خواهد خورد. بیشتر روزنامه‌نگاران با بهت و حیرت این خبر را شنیدند و دربارۀ او صحبت می‌کردند. به‌عنوان یک خبرنگار شاید تا به حال دو، سه‌بار بیشتر با بهمین کشاورز دیدار نداشتیم، اما همیشه به یاد خواهم داشت که روز خبرنگار را تبریک می‌گفت یا درباره هر ماجرای که جامعه را تبادر می‌کرد نظیر کشتی سانچی یا پسران آزاردیده دبستانی یا سوءاستفاده از آهنگ روح‌الله خالقی، ماجرای دستگیری فعالان محیط زیست، دستگیری فعالان کارگری و ازدواج کودکان و ... برای اظهارات حقوقی علاقه‌مند بود. اظهاراتی که قابل استناد در محاکم بود و بارها افرادی که درگیر این مسائل بودند تماس می‌گرفتند و درخواست می‌کردند با او ارتباط برقرار کنند. در ۲۱مرداد ۹۶ مصاحبه‌ای با او انجام دادم درباره زندگی، درباره نگاهش به دنیا و راهی که پشت‌سر گذاشته است.

نکته‌هایی که شاید در این مدت فراموش کرده بودم، اما حس خوبی که از این گفت‌وگو و مرور زندگی به یادم ماند، همیشه همراهم بود. برایم چند ویژگی «بهمین کشاورز» ماندگار بود؛ او علاقه‌مند به فعالیت‌های صنفی بود، به دنبال دفاع از همکارانش بود، او معتقد بود که قانون بد بهتر از بی‌قانونی است و باید برای لغو آن تلاش کرد، نه اینکه آن قانون را شکست. مردی که

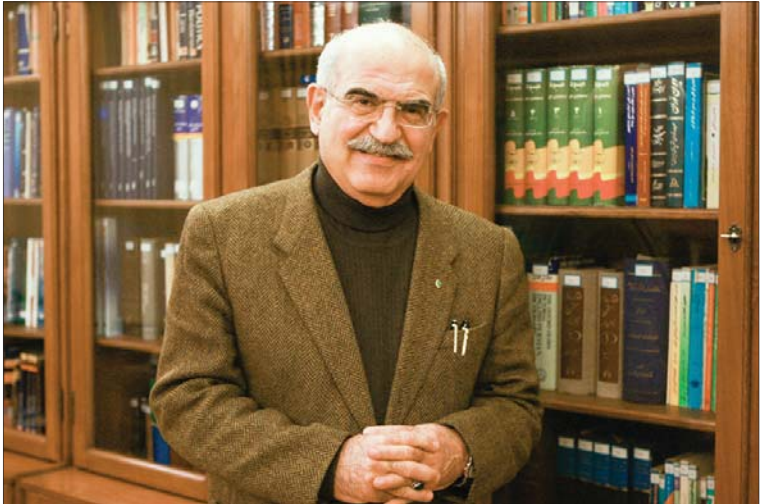


✎ **محمد توسلی**

به دفعات با این سؤال روبه‌رو شده‌ام که چرا از ایران نرفتید؟ شما که در دوران تحصیلات تکمیلی خود در خارج از کشور سابقه کار در رشته تخصصی خودتان را دارید و به‌سهولت می‌توانید اشتغال و زندگی خوبی داشته باشید، چرا از این فرصت‌ها استفاده نکرده‌اید؟!... این سؤالات در حالی مطرح می‌شود که طبق آمار رسمی حداقل سالانه بیش از ۱۸۰ هزار نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان نخبه و بااستعداد کشور از ایران مهاجرت می‌کنند و به تعبیری پدیده «فرار مغزها» رخ می‌دهد و با استقبال کشورهای میزبان هم روبه‌رو می‌شوند!! زیرا هزینه‌ای که جامعه برای هر یک از این شهروندان نخبه از دوران تولد و آموزش‌های دوران دبستان، دبیرستان، دانشگاه و... متحمل می‌شود، آنقدر زیاد است که کشورهای میزبان با اشتیاق از پذیرش رایگان این سرمایه‌های انسانی استقبال می‌کنند. گاهی برخی مسئولان هم خطاب به فارغ‌التحصیلان خارج از کشور که آماده بازگشت و خدمت در کشورشان هستند، می‌گویند: «بهتر است بنگردید چون برای شما کاری نداریم!». البته آمار مهاجرت‌های ایرانیان ارقام بیشتری را نشان می‌دهد که همه شاهد آن هستیم. گفته می‌شود امروز حدود شش میلیون ایرانی عموما بااستعداد در کشورهای خارجی به‌ویژه در آمریکای شمالی و اروپا زندگی می‌کنند و عموما سرمایه‌های انسانی ارزشمندی هستند که می‌توانند نقش مؤثری در

یادبود

مردی بی‌حسرت که جایش خالی خواهد ماند



هر وکیل باید سرگرمی‌هایی داشته باشد که بتواند شرایط سخت را تحمل کند».

وکیلی که به طور قطع عاشق خانواده‌اش بود؛ خانواده‌ای که حمایت تمام‌وکمال را از او داشت و می‌گفت: «وکلا اگر مورد حمایت همسرشان نباشند، کارشان بی‌نهایت دشوار می‌شود و موفقیت آنچنانی به دست نمی‌آورد».

این نشان می‌دهد که چه حمایتی از طرف خانواده‌اش می‌شد و اکنون همسرش – کاملیا افراخته- و فرزندان‌ش، کریم و بهارک، چه اندازه باید بی‌تاب باشند. مردی که عاشق ایران بود و هرگز به فکر رفتن از ایران نیفتاده بود، مگر برای سفر.

این مطلب برآمده از گفته‌های «بهمن کشاورز» است، چند ایده و نکته‌ای که او در این مدت داشت و دنبال کرد. قدم‌های مثبتی که برداشت و تلاش‌هایی که برای آگاه‌کردن اطرافیان می‌کرد. یکی از آرزوهای او تدریس حقوق برای کودکان بود تا بتوانند درباره حقوق شهروندی خود بدانند و برای استیفاي آن تلاش کنند و خدا را می‌توان شکر کرد که در زندگی حسرتی نداشت و از زندگی‌اش راضی و شاکر بود؛ و تأکید کرد «محمدالله حسرت هیچ‌چیز را ندارم». یادش گرامی و نامش بلند.

یادداشت

مسلمانم و ایرانی

انسانی و پیشگامانی که در طول تاریخ از جمله در دو قرن اخیر، از انقلاب مشروطه، نهضت ملی ایران و انقلاب اسلامی، پرچم آگاهی‌بخشی را در جامعه ما بردوش گرفته‌اند وزمینه‌های توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را فراهم کرده و راهبردها را برای جامعه امروز ما فراهم کرده‌اند؛ شخصیت‌هایی چون قائم‌مقام، امیرکبیر، آخوند خراسانی، حسن مدرس، محمد مصدق، مهدی بازرگان و دیگران و امروز ما این راه را، هرچند طولانی، باید به عنوان یک وظیفه دینی، انسانی و ملی به مقتضیات روز ادامه دهیم.

در ایران مانده‌ام و ایران را دوست دارم؛ اما هرگز نمی‌گویم هنر‌نزد ایرانیان است و بس. ایران دوستی ما نباید ملازم با تعصب نژادی باشد، بلکه باید مبتنی بر قبول نواقص و معایب خود و احترام به فضائل و ارزش‌های دیگران باشد. ما باید از یک سو نسبت به ارزش‌ها، حیثیت، استقلال و تعالی کشورمان ایران، همواره بافشاری کنیم و از سوی دیگر مخالف ارتباط و تعامل با سایر ملل و زندگی در جایگاه شایسته خود و بهره‌گیری از مقابله شدیدیتر می‌شود، نباشیم.

در پایان، در ایران مانده‌ام و ایران را دوست داریم، برای اینکه؛ به‌توکل به خداوند متعال و امید به آینده، بتوانیم با تعامل و همکاری جمعی و صبوری بیشتر به اجتماعی ما به تدریج با رفع موانع توسعه، متحول و زمینه‌برای بازگشت همه ایرانیان عزیز- و توانمند به وطن فراهم شود و با قرارگرفتن این سرمایه‌های اجتماعی در جایگاه شایسته خود و بهره‌گیری از سرمایه‌های طبیعی فراوان کشور، شاهد ایرانی آباد، آزاد و سرفراز باشیم.



پرنده آبی

امداد در برابر بیداد سیل

امر «بازسازی» نه‌تنها فراتر از توان و تشریک مساعی سازمان‌های غیردولتی، نیازمند همت و همبستگی ملی و حتی حمایت و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی است که محتاج ارائه نمونه‌های عملی و علمی مطلوب و ممکن است (در امر عمران و شهرسازی و پایه‌ریزی زیرساخت‌هایی متناسب با فرصت‌ها و تهدیدات اقلیمی و بوم‌زیستی با بهره‌گیری از تجارب قرون و میراث و سبک‌زیست تاریخی و فرهنگی هر منطقه). و اما چنان‌که نظرسنجی‌های معتبرتر خاطرنشان کرده‌اند، سطح و حجم همیاری اجتماعی و دولتی در فاعه ملی سیل اخیر نسبت به حوادث گذشته افت و کاهش محسوسی را نشان می‌دهد و این اخطار را در صورت واقعیت و قطعیت‌یافتن باید جدی گرفت. در برابر چنین زنگ‌ظرف‌هایی وجدان‌های بیدار نمی‌توانند دمی آسوده بیاسایند و در همین جاست که می‌بایست از همت تک‌تک هم‌میهنان و یاوران تقدیر و تشکر کنیم».

که هنوز استان‌هایی مانند خوزستان را تهدید می‌کند،